

### تاثیر مبانی لیبرال سرمایه‌داری بر معماری و شهر

یکی دیگر از مبانی نظام لیبرال سرمایه‌داری، فردگرایی و محوری بودن منافع فرد (در تقابل با جمع‌گرایی و منافع جمع) بوده که در دو اصل مهم اصالت فرد و آزادی فردی تجلی یافته است. از این رو در جوامع لیبرالی تکیه و تاکید مهمی بر مالکیت خصوصی و آزادی مطلق فرد می‌شود و نتیجه آن رشد بی رویه امپراتوران بزرگ اقتصادی بوده است. ترجمان این مبانی در حوزه زمین و مسکن یعنی تبدیل زمین به مجرای برای جریان سرمایه یا تبدیل شدن کالای مصرفی به کالای سرمایه‌ای.

### شهرهای تقسیم شده و آسیب‌های آن

هرچند سرمایه‌داری باعث رشد بالای اقتصادی می‌شود، اما به دلیل آزادی سرمایه‌گذار در انباشت و انتقال نامحدود سرمایه برای کسب سود بیشتر، اختلاف طبقاتی به شدت در شهرها افزایش می‌یابد. به عنوان مثال در بریتانیا تأثیرات اقتصادی این نظام منجر به این شد که درآمد ۱۰ درصد مردم ثروتمند شهری حدود ۱۴ برابر ۱۰ درصد مردم فقیر گردد! که این اختلاف درآمد در بافت‌های شهری منجر به پدیدار شدن دو قطب فقیرنشین و ثروتمندنشین شده است؛ چیزی که دیوید هاروی از آن به عنوان شهرهای تقسیم شده یاد می‌کند. همچنین ظهور مناطق حاشیه‌نشین و افزایش ناامنی و مشکلات زیست‌محیطی را نیز باید از تبعات اجرای روش‌های کمی و نادیده گرفتن کیفیت‌های شهری دانست.

### مهاجرت و گرانی مسکن

افزایش مهاجرت به مناطق شهری نیز از جمله تبعات اجرای سیاست‌های لیبرال سرمایه‌داری بود که در یک بازه زمانی کوتاه، مسکن را در مناطق شهری با کمبود مواجه ساخت و در نتیجه به افزایش شدید قیمت زمین و مسکن، منجر شد. برای مثال، طبق آمار و ارقام موجود، فقط بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴، مسکن کارگران (یعنی همان افرادی که بخش قابل توجهی از آنها برای کار از روستا به شهرها مهاجرت کردند)، حداقل ۴۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است!

### کمی‌نگری در حوزه مسکن و آسیب‌های آن

در این شرایط بود که زمزمه‌های جایگزینی سرپناه‌های کمی به جای خانه‌های کیفی از سوی معماران ایرانی به گوش رسید که آنها را در شماره‌های اولیه نشریه آرشیتکت در اواسط دهه ۲۰ شمسی می‌توان مشاهده نمود. به عنوان نمونه اژدری یکی از معماران و شهرسازان آن دوره، می‌گوید: "در کشورهای اروپا، خانه احتیاج به حیاط ندارد، حوض لازم ندارد چون که زندگی در خانه بیشتر در اتاق می‌گذرد... بنابراین راه حلی که آنها برای مسکن دادن اشخاص پیدا کرده‌اند از هر حیث، «مقرون به صرفه‌تر» است." یکی از آسیب‌های این نگاه کمی‌نگر از اعتبار افتادن موضوع «اهلیت» و «بستگی به مکان» و پدیدایی سودای زندگی بهتر در مکانی دیگر بود که سردرگمی می‌آفرید.